

مجلسه بیام نود و هفت سال ۱۲۲۳ ۱۹/۴/۴۱

موسسه و آثار دریاکو

فصل از یادداشت‌های حضرت

بقلم سید الشرفا

من مدتی بود که در تمام یکی از آنها رویه لودن را به چشم - کنگرانی که در مسائل علم الاجتماع دارا  
مطالعه و تفکر استند به صورت از مطالعه نتایج یک سبک و طریقه اهل حق بی نیاز از تخریب  
زیرا اهل حق و علم فقه از فلسفه اجتماع را در موقع عمل و انجام و لذت‌های نه در حق اجتماع  
باید مطالعه کرد و من بزرگ حافز شدم به صرف نقل قول مانع شوم. بنابراین در مجال آرزوی مسافرت  
مملکت لودن مرا مشغول به است تا آنجا تا آنکه از فقه سبک و در فقه لودن بزرگ  
باید است آرد با کمال لودن بزرگ است و مرا نیز بزرگ داد

من در این مسافرت خود را در کنار بسیار فقه و فعالیت بسیار زیاده از حد و مناظر و مواقع  
دعوت و اجتماع عمومی و طرز زندگی حکومت که از در در ایران بزرگ و حسن نیز بر آن  
ادب و ادب و برادران نکته دقتی یادداشت کریم و مناظر کریم

با بدو بزرگ و بزرگ و در جمعیت و کتابخانه در برادران و مال بسیار مهم

و این دولت عظیم است که در لودن است. با این حال بسیار و این دولت عظیم که از آن

فصل را با قانع کنی وقت هم اتصال دایره آثار است که در لودن است  
آنهاست. دولت است و کنگرانی بزرگ است



پرکړه لارې نفعه خودالهيته خود پرېمېنواه بگره من که ترست صحت سال از عمر مگر دوهل سال  
تا عمر را در روزگار رسکا داهيتمې و نغمه دادنه حرف کر ليام دکال مطوم خدمت لفرشته  
دپه اردن طوق سعادت ايراني ببعده دارم کابگانه نجلې زغه ام نستم فطابنوبه امروز  
ان تصفقت را درک کرېم ام که با اهلای و نظم کنه و با انزوا دعداي از دنيا و با بدبيني و  
صورت نسبت لهبا لگان زندگي نموان در

بديا خود را لهبا لگان خود شناسانم و آهرا از نزدیک ديمه و شناسم  
دهتر از مېمې لگان تامل فاسته که ستا از ما دور لوبه دحوادث رواط ارا از م  
گسته دافکار رنگي نيز نسبت تا بادرت دما لوبه دانه است

صفحه ۲۱

دستخدا داترنگه دتو روز موز سپر سرود، تا تر د ايرانه سکته، فنون لکتر است و است  
نور سکته افکته دافردگي و بلکه پير را در ان قصار سر دعمل راه نيت مېرله  
سکته پرکړه لار خود خود تر ديار خود تر لگرم دست

صفحه ۲۲

اشعاره هجائي (اشعاره تابه واقف) با ايشاد کور امروز که از انگلستان

دکترې مادد است هموزن مياشه

د اگر دې باسې مجمع التواريخ و القصص لقصيم (نينا سېده لور د درغه مودورقې کتاب

قطعه ارز آمار ديم لپور متعلق به نغمه « سارون هيران » ديدې لور کړيکړه



۳۲۷ شماره سال ۱۴۱۰

دوستی دایره

۱۶

سازیم کرد همین گهر است  
دارای دارا گهر ادریم آورد

علاوه آنکه در مملکت لر در صفت و هنر بیگم مثل و سخن دیگر در اعیانها کام و در  
دقیق لر در ارضی است مردم باید روزا کار گشته و بعد از فراغ از کارها بیاموزد  
سویب و قوی گشته آرفع فستگ شود

اگر ضمیمه سال از یکد زانست باید فخر و برادر و از صفت زندگانی عمومی با رفاه و آسایش  
کامل قرآن گردد عقیدت حق خواهد کرد؟ ما رسید است که آئینه صفت در این کرد  
ببارض و سعادت در زمان در قرآن طرفه به خواهد کرد و به اگر به  
که این معانیات همانان خوانند پس  
صفحه ۲۲

عمر در اوج بندگی برسد	دم زنده در نفس باد بر
گهر شاه بر الوه گشته	زان را در بر او بانه گشت
سوز بالایشه و الا برش	رست با بد شک همیش
لحظه ارضیه در اوج گهر	نقطه ارضیه در اوج گهر

از شرف عقاب - در کافیه